رویداد

درخشش نویسنده مشهدی در جایزه جلال

حسین لعل بذری: چرا امسال در بخش ادبیات خلاق برگزیده نداشته ایم؟

فرمند| داستان‌نویس مشهدی که کتابش در این دوره از جایزه جلال آل‌احمد شایسته تقدیر شناخته شد، به این جایزه ادبی انتقاداتی را وارد می‌داند از جمله اینکه چرا در بخش‌های ادبیات خلاق هیچ اثری برگزیده نشده است و کتاب‌هایی صرفا مورد تقدیر قرار گرفته‌اند.

بعدازظهر دیروز آیین پایانی دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد در تالار قلم کتابخانه ملی برگزار شد. در این برنامه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دیده شدن کتاب‌اولی‌ها در کنار آثار متعدد پیش‌کسوتان را یکی از ویژگی‌های این جایزه و باعث اعتمادسازی دانست. سید عباس صالحی همچنین گفت: با نگریستن به دوره‌های گذشته این جایزه پیشرفت ادبیات ایران را می‌بینیم. ما در حوزه نویسندگان با ۲ اتفاق خوب روبه‌روییم: ظهور نویسندگان جوان به عنوان معدن ذخایر آینده ایران و بانوانی که هر سال بیش از پیش به صورت کمی و کیفی سهمی فزاینده در ادبیات ایران داشته‌اند. مهم‌ترین بخش این مراسم، معرفی آثار برگزیده و شایان تقدیر در حوزه‌های مختلف جایزه ادبی جلال بود. نویسنده یکی از این آثار حسین لعل‌بذری، داستان‌نویس مشهدی، است که در گفت‌وگو با شهرآرا انتقاداتی را به این جایزه وارد می‌کند. او گفت: در مراسم اختتامیه برگزیده‌ای برای ۲ بخش «رمان و داستان بلند» و «مجموعه داستان» اعلام نشد. من دلیلش را نمی‌دانم و این موضوع را درک نمی‌کنم. بالأخره تعدادی مجموعه و رمان در سال ۹۷ منتشر شده است و داوران در هر حوزه به چند نامزد رسیده‌اند. طبیعی است که از آن میان، یکی بهتر از بقیه باشد. بر چه اساسی می‌گویید برگزیده نداریم؟ این یعنی سطح کارها خیلی پایین بوده است؟ اگر پایین بوده، پس بضاعت ادبیات داستانی در سال ۹۷ اندک بوده است. اگر هم این‌طور نیست، باید کتاب‌های قوی‌تری معرفی می‌شد یا اینکه از میان همین نامزدها برگزیده‌ها انتخاب می‌شدند.

این نویسنده مشهدی ادامه داد: شاید این اتفاق برآمده از مسائل مالی یا چیز دیگری باشد که نمی‌دانم چیست. در هر صورت، برای خود من هم سؤال است!

لعل‌بذری یادآور شد منظورش از این صحبت‌ها این نیست که به برگزیده نشدن خود انتقاد دارد. او تصریح کرد: حرفم این است که بالأخره از بین چند کتابی که نامزد شده‌اند، کار یک نفر از بقیه بهتر است و کتاب دیگری هم شایسته تقدیر. حالا می‌شد یکی دیگر برگزیده شود و من مورد تقدیر قرار بگیرم. نکته دیگری که این فعال ادبی گوشزد کرد غفلت برگزارکنندگان از ظرفیت کارگاه جانبی برای معرفی آثار نامزدهای جایزه بود: با توجه به این همه سابقه جایزه جلال و ویژگی‌هایی مانند حضور شخص وزیر ارشاد در اختتامیه آن، بهتر بود کتاب‌های نامزدها دست‌کم در دسترس افرادی که در حاشیه جایزه در کارگاه ادبی سه‌روزه شرکت کرده بودند قرار می‌گرفت. حضور بیش از ۱۰۰ علاقه‌مند و فعال ادبیات ظرفیت خوبی بود که از آن غفلت شد. در این‌باره می‌شد با ناشران هماهنگ شود و کتاب‌ها برای ارائه در دسترس شرکت‌کنندگان قرار گیرد تا اگر خواستند، کتاب مدنظر خود را تهیه کنند؛ اگرچه هدیه دادن این کتاب‌ها نیز کار چندان سختی نبود! فکر نمی‌کنم صرف جایزه دادن و معرفی یک کتاب در برگزاری خوب جایزه جلال کفایت کند.

در آیین پایانی دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد، هیئت داوران در ۲ بخش ادبیات خلاق، اثری را برگزیده ندانستند و تنها کتاب‌هایی را شایسته تقدیر معرفی کردند. اثر تقدیری حوزه مجموعه داستان «افتاده بودیم در گردنه حیران» (نشر نیماژ) به قلم حسین لعل‌بذری و تقدیری‌های رمان و داستان بلند «دور زدن در خیابان یک‌طرفه» (نشر ثالث) نوشته محمدرضا مرزوقی و «وضعیت بی‌عاری» (انتشارات شهرستان ادب) از حامد جلالی بود.

بخش نقد ادبی ۲ برگزیده داشت که عبارت بودند از: «بومی‌سازی رئالیسم جادویی در ایران» (انتشارات علمی فرهنگی) تألیف محمد حنیف و محسن حنیف و «نظریه و نقد ادبی میان‌رشته‌ای» (انتشارات سمت) به قلم حسین پاینده. در این حوزه «درباره مانایی و میرایی» (انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) نوشته احمد شاکری شایان تقدیر شناخته شد.

همچنین در حوزه مستندنگاری و تاریخ‌نگاری، کتاب «نقاشی قهوه‌خانه» (انتشارات سوره مهر) نوشته محسن کاظمی برگزیده شد و «قطارباز» (نشر چشمه) احسان نوروزی مورد تقدیر قرار گرفت.

گزارش

جامعه توسعه‌یافته نداریم

تازه‌ترین کتاب دکتر فرهنگ رجایی در پردیس کتاب مشهد نقد و بررسی شد

رادمنش| سؤال‌هایی مانند «چرا عقب ماندیم؟»، «ما چگونه ما شدیم؟»، «چرا غرب پیش رفت؟» و از این دست، پرسش‌هایی است که در جامعه امروز ایران فراوان مطرح می‌شود. کتاب‌های بسیاری هم در این زمینه ترجمه و تألیف شده است و در بازار نشر موجود است. «اندیشه و اندیشه‌ورزی» نوشته دکتر فرهنگ رجایی یکی از این کتاب‌هاست که در سی‌و سومین نشست جمعه‌های پردیس کتاب مشهد مورد نقد و بررسی قرار گرفت. از دکتر رجایی پیش از این، کتاب «مشکله هویت ایرانیان امروز» نیز به واکاوی این مسئله پرداخته است. نشست یادشده با حضور مؤلف و دکتر سلمان ساکت، دبیر نشست، و دکتر محسن مدیرشانه‌چی به عنوان منتقد همراه بود. بخشی از این برنامه، صحبت‌های دکتر مدیرشانه‌چی، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، بود که معتقد بود نام کتاب عنوانی کلی است و چیزی از محتوای آن را نمی‌رساند. این پژوهشگر علوم سیاسی همچنین در نقد و بررسی کتاب ارجاعاتی را مطرح کرد.

دکتر سلمان ساکت، دبیر نشست: رابطه توسعه پایدار با سیاست

موضوع محوری این کتاب، توسعه پایدار و رابطه آن با سیاست است. کتاب برگرفته از نوشته‌هایی است که پیش از این بیشتر آن‌ها منتشر شده است ولی این‌بار با بازبینی مفصل و کلی به چاپ رسیده است. نویسنده در مقدمه بر این باور است که سؤالاتی مثل «ما چگونه ما شدیم؟» و «چرا ما عقب ماندیم؟» و «چگونه غرب پیشرفت کرد؟» در ذات خود نوعی دریغناکی و نوعی قدرنشناسی در قبال گذشته و میراث خودمان دارد و برای رسیدن به توسعه پایدار باید گذشته را شناخت و با حس رضایتمندی و نه تسلیم در برابر آن، رو به آینده گام برداشت. بنابراین پرسش اصلی‌ای که ایشان به جای پرسش‌های یادشده مطرح می‌کند پرسشی فلسفی است درباره «چگونگی و چرایی سامان کلان جهانداری و توسعه در جهان امروز». کتاب از یک درآمد و ۲ بخش مجزا تشکیل شده است. در قسمت درآمد با عنوان «قانون عقل جهانداری» نسبت توسعه با جهانداری و رابطه این‌ها کاویده شده است. به باور نویسنده، همه افراد و گروه‌ها و زیست‌جهان‌های بسامان و شایسته در طول تاریخ از اصول مشترکی پیروی کرده‌اند که به این اصول با عنایت به نامه تَنسَر، موبد زرتشتی و حامی اردشیر بابکان، «قانون عقل جهانداری» اطلاق کرده است و تأکید دارد که به جای «توسعه پایدار» از این عنوان استفاده شود.

به نظر می‌رسد در تمام دوران‌های تمدن‌ساز در تمامی کشورها تکلیف ۳ تعریف مشخص بوده است: تعریف آدمی با خود و آدمی با دیگری و آدمی با جهانی که در آن زیست می‌کند. گفت‌وگوی منسجم بین این ۳ تعریف مجموعه‌ای از ارزش‌ها را تولید می‌کند که می‌توان آن‌ها را در ۳ دسته کلی جای داد: نظم و معیشت و ارزش. نظم شامل حال چیزهایی مثل ادب، رعایت چیزهایی مثل حد و حدود، امنیت، هم‌بستگی اجتماعی و مراودات خواهد بود. معیشت شامل ثروت، آسایش، رضایتمندی، امکان برنامه‌ریزی، و ارزش دربرگیرنده آرمان‌هایی همچون صلح، خاطره جمعی و قدرت پیش‌بینی.

یک جشن متمدنانه

نظم و معیشت و ارزش با هم سرعنوان «نما» را می‌سازد و مؤلف بر این عقیده است که این نمای ماندگار و نامیرا، دستاورد آن دوره تمدن‌ساز خواهد بود. برای رسیدن به این ارزش‌ها یا نمای متمدنانه، ۳ عامل اصلی وجود دارد: جهانداری، جهانداران، جهان. گویی اگر این ۳ ستون با هم برپا شود، یک جشن متمدنانه برپا می‌شود. نویسنده به‌درستی تأکید می‌کند که با وجود این ۳ ستون، باز هم چون رمز و راز جهان بر ما پوشیده است، ممکن است به غایت و نتیجه دلخواه خودمان نرسیم. بنابراین نیاز به ابتکار در آدمی و در همه جوامع همواره وجود دارد. بنابراین به توصیف نویسنده، کوشش نوعی نزدیک شدن به آن غایت و آرمان‌هاست و انسان وظیفه‌ای جز این ندارد.

هیچ جامعه توسعه‌یافته‌ای نداریم

پرسش‌های اصلی و بنیادین این کتاب عبارت‌اند از: جهانداری چیست و چرا ۳ عنصر جهانداری و جهانداران و جهان یا نظام مهم و اساسی هستند؟ چه رهیافت و بینشی انسان را به فهم جهاندارانه نزدیک می‌کند و برای او سامان جهانداری رقم خواهد زد؟ در این قسمت، مؤلف اصطلاح توسعه‌یافته و توسعه‌یافتگی را به چالش می‌کشد به این دلیل که اگر جامعه‌ای را توسعه‌یافته خواندیم، گویا آن را متوقف و به جامعه‌ای ایستا تبدیل کرده‌ایم. جامعه توسعه‌یافته دیگر انگیزه‌ای برای توسعه بیشتر ندارد، در حالی که جوامعی که از آن‌ها با این اصطلاح یاد می‌کنیم، جوامعی هستند که مدام و همواره خودشان را بازتولید می‌کنند، اشکالاتشان را شناسایی می‌کنند و در جهت بالاتری گام می‌نهند. توسعه یک فرض، یک الگو و یک آرمان است که باید به سمت آن حرکت کرد و مدام نسبت خودمان و جامعه را با آن فضای استعلایی سنجید. مؤلف با این به چالش کشیدن اصطلاح توسعه‌یافته، و ۳ اصطلاحی که ما امروز زیاد به کار می‌بریم -کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه، توسعه‌نیافته- پیشنهاد می‌دهد که ما از واژه‌های «جهانداری» به‌جای «توسعه‌یافته» و «جهانگیری» به‌جای «در حال توسعه» و «تعطیلی تاریخ» به جای «توسعه‌نیافته» استفاده کنیم. از این رو، تمام کشورهایی که توسعه‌یافته تلقی می‌کنیم، در واقع در حال توسعه هستند، چون مدام خود را گسترش می‌دهند و بازشناسی و بازتولید می‌کنند. جهانداری کیفیتی است که در آن، فرد، گروه و جامعه در گستره‌ای جهان‌شمول و هم‌زمان، ارزش‌هایی مثل نظم، معیشت، ثروت، مدیریت، ابتکار، علم، هنر و دیگر ارزش‌ها را تولید می‌کنند.

آری به‌اتفاق جهان می‌توان گرفت

در جهانداری، انسان درگیر خیر عام است، ولی در جهانگیری، خودحق‌بینی شخصی و گروهی و بدتر از آن سلطه و غلبه حرف روز جامعه می‌شود و اگر این فرایند ادامه پیدا کند، ما به تعطیلی تاریخی می‌رسیم، نوعی گیجی و سردرگمی. با آنچه از جذب ثروت و اندیشه به دست می‌آید، می توان جهان گرفت. جهانداران یا شهروندان در جهت منافع شخصی حرکت می‌کنند و بعد، با عضویت در گروه‌های بزرگ‌تر، منافع گروهی را در نظر می‌گیرند، به این خاطر که می‌خواهند منافع شخصی‌شان را افزایش بدهند. اما در ورای این منافع فردی و گروهی، منفعت جمع را هم می‌جویند، منفعت جمعی که ممکن است در مسیری غیر از مسیر آن‌ها حرکت کند و اندیشه بورزد، به خاطر اینکه خیر عام نوعی ثبات ایجاد می‌کند و ثبات تضمین‌کننده منافع فردی و گروهی است. همه شهروندان در طول زندگی‌شان بین خودخواهی کوته‌بینانه و اجتماع‌خواهی بلندنظرانه در حرکت‌اند و باید نقطه بهینه آن را پیدا کنند.

دکتر فرهنگ رجایی، نویسنده کتاب: اندیشه موتور جرئت در سیاست است

مفروضات من این است: امر سیاسی و علم سیاست با اختیار و جرئت آدمی برای عمل کردن آغاز می‌کند و موتور این جرئت اندیشه است؛ دوم اینکه این نورافشانی و خورشیدی عمل کردن در زندگی جمعی یا به تعبیر رایج، در توسعه پایدار خود را نشان می‌دهد.

امروز سعی می‌کنم به ۲ پرسش جواب بدهم: چرا این کتاب؟ چه حرف حسابی برای زدن داشته‌ام و حرف حساب کتاب چیست؟ اینکه ما نتایج توسعه پایدار یا نتایج جهانداری را با اصول جهانداری قاطی می‌کنیم همچنان ادامه دارد. جامعه توسعه‌یافته وجود خارجی ندارد، برای انسان مؤمن جامعه توسعه‌یافته بهشت است و برای انسانی که به بهشت باور ندارد، جامعه در حال توسعه یک افق است. می‌توانیم جهان در حال توسعه داشته باشیم. جهان توسعه‌یافته نداریم. اگر جایی بگوید توسعه یافته‌ام، یا تفرعن می‌کند یا توطئه است که شما راه آن‌ها را پی بگیرید.

از چین چیزی درنخواهد آمد!

کشورهای در حال توسعه کشورهایی هستند که به گمان من در آن واحد و توسط همگان یک تولید دارد صورت می‌گیرد. حاضرم شرط ببندم که از چین چیزی درنخواهد آمد، برای اینکه فقط تولید اقتصاد می‌کند. همان‌طور که از روسیه استالینی چیزی درنیامد برای اینکه فقط تولید نظم و امنیت می‌کرد. چرا کتاب؟ برای اینکه احساس کردم نگاهی نادرست به جهانداری و در حال توسعگی وجود دارد و من می‌فهمم چرا. کتاب می‌خواست بگوید می‌شود جهانداری را درست دید.

کتابخوان

هنرمند در هیاهوی تقدیر

درباره کتاب «هیاهوی زمان» اثر «جولین بارنز»

حانیه نصیری| «تقدیر، این فقط لغت قلمبه‌سلمبه‌ای بود برای چیزی که هیچ کارش نمی‌توانستی بکنی. وقتی زندگی به تو می‌گفت «و به این ترتیب» سر تکان می‌دادی و اسمش را می‌گذاشتی تقدیر.» گاهی در زندگی با مسائلی روبه‌رو می‌شویم که به دست ما ایجاد نشده است و توسط ما هم برطرف نمی‌شود، مسائلی که ممکن است چنان زیستن دردناکی را برایمان رقم بزنند که نتوانیم آن را تاب بیاوریم، زیستنی از جنس آنچه در حکومت شوروی عصر استالین برای اهل فرهنگ و هنر رخ داد، و در رویارویی با این مسائل می‌گویند تقدیر چنین بود!

کتاب «هیاهوی زمان» نوشته جولین بارنز آمیخته‌ای از داستان و زندگی‌نامه است. در واقع، بارنز در بیشتر آثارش به ادبیات و تاریخ می‌پردازد. این کتاب نیز زندگی‌نامه دمیتری شوستاکوویچ، از مشهورترین آهنگ‌سازان سده بیستم میلادی، است. او که انقلاب اکتبر و خفقان استالینی و جنگ جهانی دوم و دوران خروشچف را درک و تجربه کرد، در روزگار حکومت استالین شرایط سخت ویژه‌ای را از سر گذراند. در این زمان، برخی از هنرمندان همچون میرهولد ایستادند و اعدام شدند. برخی‌ها مانند استراوینسکی مهاجرت کردند. گروهی نیز طرف‌دار حزب کمونیست شدند و برخی‌ها همچون شوستاکوویچ به مصالحه تصنعی با قدرت حاکم رسیدند، و در شرایطی سخت به زندگی و هنر خود ادامه دادند. جولین بارنز می‌نویسد: «بگذار کلمات از آنِ قدرت باشند چون کلمات قادر نیستند موسیقی را خدشه‌دار کنند. موسیقی می گریزد از کلمات. هدفش همین است. شکوهش همین است.» در این زمان، دیکتاتوری حاکم خواهان ترویج رئالیسم است و از هنر ساختارشکن استقبال نمی‌کند زیرا موسیقی رئال، ساده و مشخص و پیش‌بینی‌پذیر است، بدون نابهنگامی. این موسیقی برای مردم زحمتکش که از صبح تا عصر مشغول کار هستند لحظاتی شادی‌آفرین تولید می‌کند، و دیکتاتور هم کمیت را باارزش‌تر از کیفیت می‌داند و هنر را همچون کالایی تولیدی قلمداد می‌کند.

اما به نظر می‌رسد تولید انبوه هنر بی‌کیفیت ذهن را فلج می‌کند، چیزی که نویسنده مهندسی روح انسان می‌نامد: «۲ مشکل بنیادین وجود داشت: اول اینکه خیلی از مردم دوست نداشتند روحشان مهندسی شود. دست شما درد نکند! دوست داشتند روحشان همان‌طور که به دنیا آمده بودند دست‌نخورده باقی بماند و وقتی سعی می‌کردی هدایتشان کنی، مقاومت نشان می‌دادند. [...] مشکل دوم از مهندسی روح انسان اساسی‌تر بود. چه کسی مهندسان را مهندسی کند؟»

بارنز معتقد است هنر همیشه خار چشم سیاست بوده است و خواهد بود، سیاستی که سران خودکامه‌اش در برابر مانایی هنرمندان به ناچار کنار می‌روند. او همچنین در کتاب هیاهوی زمان می‌نویسد: «هنر متعلق به همه است و هیچ کس. هنر متعلق است به همیشه و هیچ‌وقت. هنر متعلق است به آن‌ها که خلقش می‌کنند و آن‌ها که حظش را می‌برند. هنر زمزمه تاریخ است که بلندتر از هیاهوی زمان به گوش می‌رسد.»

این کتاب را نشر چشمه در ۱۸۳ صفحه با ترجمه پیمان خاکسار به چاپ رسانده است.

نگارستان

هزینه‌بر بودن برپایی نمایشگاه

نمایشگاه رنگ‌نوشت به مدت ۳ روز در نگارخانه ایرانا برگزار می‌شود

نگار راد| نمایشگاه آثار نقاشی‌خط «رنگ‌نوشت» به نمایشگاه‌گردانی مهری عزتی‌مقدم، روز گذشته در نگارخانه ایرانا افتتاح شد. در این نمایشگاه، آثار ۲۰ هنرجوی محمد ملک، از استادان خوش‌نویسی مشهد، به نمایش گذاشته شده است. به گفته ملک، در این نمایشگاه دو گروه از هنرجویانش حضور دارند. گروه اول هنرجوهای خوش‌نویسی او هستند که ملک با آن‌ها یک دوره نقاشی‌خط کار کرده است و گروه دیگری که آثارشان بر روی دیوار نگارخانه ایرانا رفته است، افرادی هستند که در کارگاه‌های نقاشی‌خط این استاد خوش‌نویسی شرکت کرده‌اند. به این ترتیب، تقریبا تمام هنرجوهایی که اثری در نمایشگاه دارند، اولین بار است که هنر نقاشی‌خط را کار کرده‌اند. ملک همچنین این موضوع را یادآوری می‌کند که تمام مراحل خلق این آثار برعهده خود هنرجویان بوده است. به گفته او، معمولا مدرسان نقاشی‌خط در آثار دانشجویانشان دست می‌برند، به‌طوری که از نحوه اجرای آن کاملا مشخص می‌شود که کار خلق‌شده، اثر شاگرد کدام استاد است اما ملک این فرصت را برای شاگردانش فراهم کرده است تا هر نوع کار ضعیف و قوی را به سبک خودشان ارائه کنند.

ملک با تاکید بر اینکه «خوش‌نویسی یک هنر کاملا ایرانی است»، می‌گوید: جلوه نداشتن رنگ در هنر خوش‌نویسی، ایراد این هنر است؛ اتفاقی که نمی‌گذارد این رشته به هنری جهانی تبدیل شود اما با ترکیب رنگ و فرم و پدید آمدن هنر نقاشی‌خط که خاستگاهش نیز مشهد است، راه برای جهانی شدن این هنر هموارتر شده است.

این استاد خوش‌نویس که آثار هنرجویانش به مدت سه روز در نگارخانه ایرانا به نمایش گذاشته شده است، درباره دلایل کوتاه بودن مدت زمان برگزاری نمایشگاه «رنگ‌نوشت» توضیح می‌دهد: برپایی نمایشگاه، این روزها هزینه‌بر است و افراد حاضر در نمایشگاه هم با مشارکت خودشان این نمایشگاه را برپا کرده و از جایی کمک نگرفته‌اند. ازسوی دیگر نگارخانه ایرانا مکانی خصوصی است، از این رو در توانش نبوده است که بیشتر از این مدت نگارخانه را دراختیار ما قرار دهد.

لازم به ذکر است نمایشگاه «رنگ‌نوشت» تا یکشنبه ۲۴آبان در نگارخانه ایرانا واقع در خیابان فرهنگ، نبش فرهنگ ۲۳ برپا خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند از ساعت ۱۷ تا ۲۰ در طول دوران برگزاری این رویداد از آثار آن بازدید کنند.

عکس: مصطفی عباسی | شهرآرا

زندگی با سینما

روشنای «خسوف» در «سینما حقیقت»

مشهدی‌ها در صدر فهرست نامزدهای بخش مسابقه ملی جشنواره سینمای مستند قرار گرفتند

زوزنی| در حالی نامزدهای سیزدهمین دوره جشنواره «سینما حقیقت» برای دریافت جایزه در بخش مسابقه ملی معرفی شدند که ۲ فیلم مشهدی «خسوف» و «مهدی که به دنیا آمد» در میان آن‌هاست.

بنا به آنچه که روابط عمومی جشنواره اعلام کرده، «خسوف» به تهیه‌کنندگی مسعود زارعیان (فیلم‌ساز مشهدی)، و محسن استادعلی با ۶ عنوان نامزدی در صدر آثار راه‌یافته به بخش نهایی قرار گرفته است.

بنا به گفته زارعیان، «خسوف» بر اساس ایده و طراحی این فیلم‌ساز و طلبه مشهدی، در این شهر تولید شده و مراحل پس از تولید آن در تهران پی گرفته شده و در طول جشنواره هم با استقبال عموم تماشاگران روبه‌رو شده است.

کامران شیردل، پیش‌کسوت سینمای مستند ایران؛ یونس شکرخواه، استاد مشهدی علوم ارتباطات؛ سیف‌ا... صمدیان، عکاس، مستندساز و دبیر جشن تصویر سال؛ پیروز کلانتری، پژوهشگر و مستندساز؛ حبیب احمدزاده، نویسنده، پژوهشگر و مستندساز؛ محمدحسین مهدویان، مستندساز و کارگردان سینما، و مونا زندی، کارگردان سینما؛ پس از بازبینی ۶۲ فیلم مستند راه‌یافته به بخش مسابقه ملی این دوره از جشنواره، نامزدها را معرفی کردند.

بنابراین برای فیلم مستند «خسوف» علاوه بر نامزدی مسعود زارعیان و محسن استادعلی برای دریافت جایزه «بهترین فیلم»، استادعلی نامزد دریافت جایزه «بهترین کارگردانی مستند بلند» و «بهترین نویسنده گفتار متن و گوینده»، سیدعلیرضا علویان نامزد دریافت جایزه «بهترین صدا»، بابک حیدری نامزد دریافت جایزه «بهترین تدوین» و پژمان خلیلی نامزد دریافت جایزه «بهترین موسیقی» از این جشنواره در بخش ملی شدند.

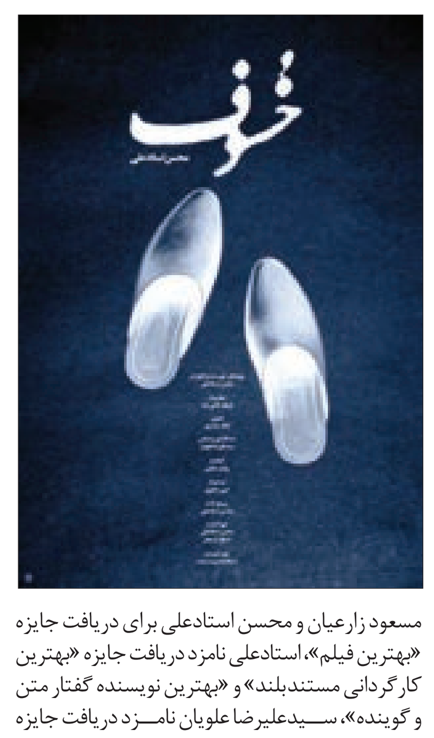

«مهدی که به دنیا آمد»، دیگر فیلم مستند مشهدی حاضر در سیزدهمین دوره جشنواره سینما حقیقت، به کارگردانی امیرمهدی حکیمی و حجت بامروت در ۲ بخش «بهترین صدا» و «بهترین نویسنده و گوینده متن» نامزد دریافت جایزه شد.

این اعلام، پایان کار مشهدی‌های حاضر در معتبرترین جشنواره فیلم مستند ایران، «سینما حقیقت»، نیست و همچنان که منتظر برگزاری اختتامیه و افتخارآفرینی «خسوف» و «مهدی که به دنیا آمد» هستیم، باید منتظر اعلام نامزدهای بخش رقابتی «جایزه شهید آوینی» این جشنواره نیز باشیم. چرا که مستندسازانی همچون محسن اسلام‌زاده با مستند «زندگی در میان پرچم‌های جنگی»، مسعود زارعیان با مستند «مرهم»، صادق رمضانی‌مقدم با مستند «نه کوچک نه بزرگ» و محسن جهانی با مستند «بوکس برای صلح» در این بخش حضور دارند.

مستند «کرار» به کارگردانی محسن عقیلی هم که از نامزدی در بخش فیلم‌های نیمه‌بلند ملی بازماند، همچنان برای نامزدی در بخش «جایزه شهید آوینی» امیدوار است.

تماشاخانه

تو را بکار و شکوفا شو!*

روایتی از نمایش «از خودت نترس» که این شب‌ها در پردیس تئاتر مستقل مشهد روی صحنه است

عکس: داود بهگام | شهرآرا

علی باقریان| متیو لیپمن، فیلسوف آمریکایی و استاد فلسفه در دانشگاه «کلمبیا»، در اواخر دهه ۶۰، سر کلاس‌هایش پی برد که حتی دانشجویان فلسفه نیز توانایی لازم برای استدلال کردن را ندارند و بنابراین از اندیشه‌ورزی انتقادی عاجزند. او به این نتیجه رسید که آموزش این کار به آن‌ها در این سن‌وسال بسیار دشوار و حتی ناممکن است؛ این جوانان می‌بایست سال‌ها پیش، در دوران کودکی و نوجوانی‌شان، این کار را می‌آموختند. از آنجاکه زمینه این امر فراهم نبود، خود لیپمن دست‌به‌کار شد: او برنامه‌ای با عنوان «فلسفه برای کودکان» (فبک) را تدارک دید و به‌تدریج آن را گسترش داد. از آن‌زمان تاکنون، کسانی که با فیلسوف آمریکایی همدل و هم‌رأی بوده‌اند روش‌های مختلفی را برای پرورش فکر و قوه نقادی در کودکان و نوجوانان پیشنهاد کرده‌اند. یکی از این روش‌ها القای مقصود ازطریق نمایش است، چنان که آلن بدیو، فیلسوف فرانسوی، با انتشار کتاب «احمد فیلسوف» چنین کرده است. دانشگاه «کلمبیا» ترجمه انگلیسی این کتاب را با عنوان «احمد فیلسوف: سی‌وچهار نمایشنامه کوتاه برای کودکان و هرکس دیگر» منتشر کرده است. در ایران نیز دست‌کم دو ترجمه فارسی از این اثر در دسترس است. اگرچه «فلسفه برای کودکان» در ایران عمری کمتر از دو دهه دارد، در همین مدت کوتاه، روایی و گسترش چشمگیری پیدا کرده است.

خودشناسی و درون‌نگری

مسیحا ابوعلی یکی از کسانی است که دل‌مشغول آموزش اندیشه‌ورزی به کودکان و نوجوانان سرزمین ماست. این کارگردان و نویسنده تئاتر کار خود را ازطریق اجرای نمایش‌هایی دراین‌باب انجام می‌دهد. آخرین نمایش ازاین‌دست که ابوعلی، درمقام طراح و نویسنده و کارگردان، آن را به‌روی صحنه آورده است «از خودت نترس» نام دارد که هم‌اکنون در سالن «استاد حسین نوری» حوزه هنری خراسان رضوی، واقع در بولوار «هاشمیه» درحال اجراست. این نمایش که تا اواخر این هفته برقرار است، همان‌طور که از عنوانش پیداست، مخاطبان خود را که لزوما کودکان و نوجوانان نیستند (در پوستر نمایش آمده است: «برای نوجوانان، خانواده‌ها، معلمین و آدم‌هایی که کاری که می‌کنند از نانی که می‌خورند بیشتر است») به «خودشناسی» و «درون‌نگری» فرامی‌خواند. بر سردر «معبد دلفی»، یعنی همان جایی که در آن سقراط به دانایی خود پی برد، نوشته‌اند: «خودت را بشناس»، جمله‌ای که می‌گویند از تالس است. ازنظر یونانیان باستان که نخستین فیلسوفان دربین ایشان ظهور کردند، کاربستن این گزاره بر هر کاری مقدم و مقدمه شناخت دیگرامور و پدیده‌هاست و هرکسی در «خودشناسی» پیشتر رفته باشد بیشتر به حقیقت نزدیک شده است. بااین‌تفاصیل، می‌توان گفت که نمایش ابوعلی دربردارنده مفهومی مبنایی و خطیر در راه آموزش و پرورش تفکر است که تبیین و تعلیم موفقیت‌آمیز آن گامی بزرگ به‌سوی مقصود خواهد بود.

بدل‌شدن به عروسک

«از خودت نترس» داستان «رها خودپا»، دختری ۱۵ساله، است که یک روز به‌جای اینکه به مدرسه برود به خانه پدربزرگ خود می‌رود و سر از انباری خاطره‌انگیز آن درمی‌آورد که پر است از جعبه‌ها و شیشه‌های نوشابه همسان. در آنجا، رها با ۷سالگی و ۳۰سالگی خود روبه‌رو می‌شود و با دیدن گذشته و آینده خود کم‌کم به حال خویشتن وقوف می‌یابد. او می‌بیند که در ۳۰سالگی بدل به اولین خلبان زن هواپیماهای غول‌پیکر در ایران شده است و با دستمزدی هنگفت زندگی بی‌دغدغه‌ای را می‌گذراند. اما طی اتفاقاتی معلوم می‌شود که رها هیچ علاقه‌ای به خلبان‌شدن نداشته و حتی از ارتفاع می‌ترسیده است؛ او طبعی لطیف داشته و به کارهای هنری متمایل بوده است. بعد، با گذشته‌نمایی می‌فهمیم که رها در جشن تولد ۷سالگی خود هدیه‌های گوناگونی دریافت کرده است، ازجمله عروسک یک زن خلبان که مادربزرگش برایش خریده بوده است. اطرافیان او با دیدن این عروسک دم گوشش می‌خوانند که حتما باید در آینده خلبان شود. اندک‌اندک این زمزمه‌ها آن‌قدر بالا می‌گیرند که درنهایت دختر آرزوهای خود را فراموش می‌کند و دنبال تحقق رؤیاهای دیگران می‌رود؛ بدین‌ترتیب، رها به یک عروسک خیمه‌شب‌بازی بدل می‌شود که هویت مستقلی ندارد و عروسک‌گردان‌ها هرجور می‌خواهند او را حرکت و بازی می‌دهند.

دست‌گیری از خود

واقع امر این است که عروسک‌ها را از روی آدم‌ها می‌سازند؛ قرار نیست خود آدم‌ها یا دیگران آن‌ها را به‌شکل عروسک‌ها دربیاورند. آدم باید، پیش از آنکه آلت دست دیگران بشود، برای جلوگیری از این امر هرچه‌زودتر با خودش روبه‌رو و آشنا شود. آدمی که از مواجهه با خودش، از دیدار با حقیقت بترسد از آشنایی با خویش محروم خواهد شد؛ کسی هم که با خودش غریبه باشد از استعدادهای خویش بی‌خبر می‌ماند و در بهترین حالت آن چیزی می‌شود که دیگران می‌خواهند، حال آنکه انسانیت انسان به اختیار اوست، به اینکه انتخاب و اراده کند و توانایی‌های بالقوه خود را بالفعل سازد تا در مسیری که درست است قرار گیرد. اگر خودت دست خودت را نگیری و به‌میل خود راه نپیمایی، دیگران از هر طرفی دستت را خواهند کشید. در نمایش «از خودت نترس»، وقتی رها گذشته خود را از نظر می‌گذراند و با خودش دیدار می‌کند، موفق می‌شود وضع حال را درک کند و خود را بشناسد؛ آن‌گاه می‌فهمد که کارهای بسیاری هست که ای‌بسا از خلبانی مهم‌تر و لذت‌بخش‌تر هستند و او می‌تواند، با عزم و اراده، خود را برای آن‌ها آماده کند، کارهایی که شاید در نگاه دیگران به‌اعتبار خلبانی نباشند، اما دست‌کم مناسب و مطلوب خود او هستند.

نمایش ایده

اگرچه به‌نظر می‌رسد که ابوعلی در نمایش خود قدری درباب جایگاه «اختیار» غلو کرده است، بایست گفت که به‌خوبی توانسته است منظور خود را القا کند، آن‌هم ازطریق یک نمایش واقعی: اشکالی که در عمده نمایش‌های اندیشه‌مداری ازاین‌دست می‌توان دید این است که کارگردان و نویسنده آن‌ها در راه نیل به مقصود خود از ماهیت اجرائی نمایش غفلت می‌کنند. اما کار ابوعلی از این اشکال مبراست: او با استفاده از سه بازیگر اصلی برای ایفای نقش «رها» در سه مقطع سنی (بازیگرانی که خوشبختانه کارگردان شباهت چهره ایشان باهم را نیز درنظر داشته است)، و میزانسنی کم‌خرج، اما پیچیده به‌خوبی ایده خود را نمایش داده است. «از خودت نترس» یک راوی دارد که ما تنها صدای او را می‌شنویم؛ همچنین قطعات موسیقی بسیاری، ازجمله، اگر اشتباه نکنم، موسیقی متن فیلم‌هایی چون «مردان سیاه‌پوش» و «۲۱ گرم»، درطول این نمایش به گوش می‌رسد. میزان هماهنگی بازی بازیگران با این صداها که البته گاهی بیش‌ازحد بلند است ستودنی است، اگرچه سه بازیگر گاهی در پانتومیم‌ها موفق نیستند (البته من اجرای اول این نمایش را دیده‌ام و در اولین اجرا این امور طبیعی است). همچنین عوامل نمایش از جعبه‌ها و شیشه‌های نوشابه که انسان‌های شیءشده و تیپیکال را آینگی می‌کنند با رشته‌های نور برای نشان‌دادن باند پرواز و زمین بازی و خیابان نیز بهره برده‌اند.

* مصراعی است از حسین صفا.

صاحب خبر

«آقازاده» به مشهد می‌آید

فیلم‌برداری یک سریال نمایش‌خانگی در مشهد پیگیری می‌شود

نگار راد| سریال «آقازاده» یکی از تولیدات جدید شبکه نمایش خانگی است که این روزها مراحل فیلم‌برداری‌اش را پشت‌سر می‌گذارد. این سریال به نویسندگی و تهیه‌کنندگی حامد عنقا و کارگردانی بهرنگ توفیقی تولید می‌شود. با آغاز موج کوچ بسیاری از کارگردانان و بازیگران از تلویزیون به شبکه نمایش خانگی، این دو سینماگر نیز که پیش‌تر در ساخت سه سریال «انقلاب زیبا»، «پدر» و «بر سر دوراهی» برای صداوسیما با یکدیگر همکاری کرده بودند، تصمیم گرفته‌اند حضور در شبکه نمایش خانگی را امتحان کنند. سریال جدید عنقا و توفیقی که گویا قرار است به سوژه حساسی بپردازد، چندی است در سکوت خبری، فیلم‌برداری و مراحل فنی خود را پیش می‌برد. حال براساس اعلام روابط‌عمومی این سریال قرار است مراحل فیلم‌برداری آن در مشهد ادامه پیدا کند. پیش از این نیز حامد عنقا در گفت‌وگویی، «آقازاده» را پیشکش فقیرانه‌ای به آستان مقدس علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) دانسته و اعلام کرده بود بخش‌هایی از سریال که در مشهد ضبط می‌شود، بر تمام کار غلبه دارد. «آقازاده» جزو سریال‌های پربازیگر شبکه نمایش خانگی خواهد بود. در این سریال امیر آقایی، امین تارخ، مهدی سلطانی، لعیا زنگنه، کامبیز دیرباز، جمشید هاشم‌پور، امین حیایی، ثریا قاسمی و نیکی کریمی به ایفای نقش خواهند پرداخت. همچنین سینا مهراد، بازیگر مشهدی تلویزیون و فرزند سعید سهیلی، کارگردان سینما که پیش‌تر در سریال «پدر» با عنقا و توفیقی همکاری کرده بود، این‌بار جلوی دوربین «آقازاده» خواهد رفت. لازم به ذکر است عوامل این سریال به‌زودی برای گرفتن سکانس‌های مشهد و پلان‌هایی در داخل حرم امام‌رضا(ع)، راهی این شهر می‌شوند.

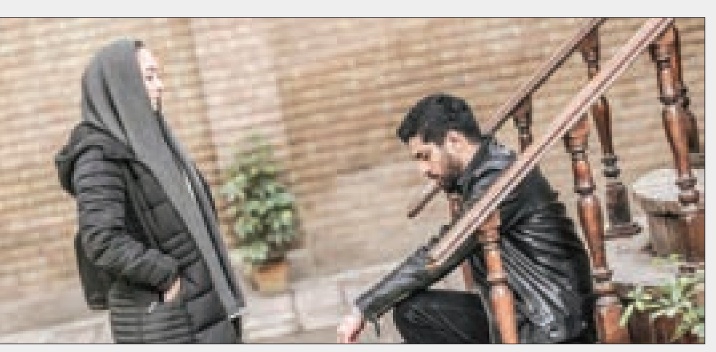

زندگی با سینما

روایت داستانی زنانه در فجر امسال

بهزاد| فیلم‌برداری فیلم سینمایی «کارو»، یکی از فیلم‌های متقاضی حضور در سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر، به نیمه رسیده است. این فیلم به کارگردانی احمد مرادپور و تهیه‌کنندگی حسین صابری که پیش از این در شهر خلخال جلوی دوربین رفته بود، اکنون در شهر سرعین فیلم‌برداری خود را پشت‌سر می‌گذارد. احمد مرادپور بعد از فیلم‌های سینمایی «سجاده آتش» و «رنجر» و سریال «رقص پرواز»، به‌سراغ ساخت فیلم سینمایی «کارو» با محوریت داستانی زنانه رفته است. درواقع «کارو» را می‌توان نخستین فیلم سینمایی که با محوریت یک زن در سال ۹۸ تولید می‌شود، محسوب کرد. مریلا زارعی، بازیگر نقش اول این فیلم، با گریمی متفاوت در لباس کردی جلوی دوربین رفته است. درکنار او پیمان مقدمی و علی پاینده به ایفای نقش می‌پردازند. در خلاصه داستان این فیلم سینمایی که اثرِ سازمان هنری‌رسانه‌ای اوج و اولین محصول «مرکز فیلم و سریالِ عصر» است، آمده است: «کارو، نوجوان کرمانشاهی، بعد از سال‌ها تمرین به تیم ملی کشتی دعوت می‌شود اما او....»

همراه با فجر ۹۸

«درخت گردو» با آواز قربانی

با پایان مراحل تولید فیلم سینمایی «درخت گردو» به کارگردانی محمدحسین مهدویان و تهیه‌کنندگی سیدمصطفی احمدی، مراحل پس از تولید این فیلم آغاز شده است و این روزها ساخت موسیقی آن درحال انجام است. براساس اخبار منتشرشده ازسوی روابط‌عمومی «درخت گردو»، قرار است علیرضا قربانی، خواننده موسیقی سنتی کشورمان، قطعه‌ای را برای این فیلم سینمایی بخواند. قربانی که پیش از این قطعه «از خون جوانان وطن» را برای تیتراژ «آخرین روزهای زمستان» به‌کارگردانی محمدحسین مهدویان خوانده بود، برای دومین همکاری‌اش با مهدویان، قطعه‌ای به آهنگ‌سازی حبیب خزایی‌فر و با نوای کمانچه اردشیر کامکار آماده خواهد کرد. مهدویان که در چهار سال گذشته به‌ترتیب با فیلم‌های «ایستاده‌درغبار»، «ماجرای نیمروز»، «لاتاری» و «ماجرای نیمروز؛ رد خون» در جشنواره فیلم فجر حضور پیدا کرده بود، این‌بار با فیلم «درخت گردو» متقاضی حضور در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر شده است. مهران مدیری و پیمان معادی، دو بازیگر اصلی فیلم جدید مهدویان هستند. تا این لحظه، اخبار معتبری درباره داستان این فیلم منتشر نشده است.

رویداد

وزیر فرهنگ میهمان ویژه جشنواره ابوذر

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی میهمان ویژه مراسم پایانی چهارمین جشنواره رسانه‌ای ابوذر خواهد بود. عباس محمدیان، رئیس سازمان بسیج رسانه خراسان‌رضوی، با اعلام این خبر گفت: اختتامیه جشنواره رسانه‌ای ابوذر خراسان‌رضوی با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، پنجم دی‌ماه در مشهد برگزار خواهد شد. به گفته محمدیان، این رویداد فرهنگی امسال با محورهایی همچون «عزم ملی برای تحقق گام دوم انقلاب»، «زیارت»، «فرهنگ میزبانی و فرهنگ شهروندی»، «رونق تولید، پیشرفت اقتصادی و مشارکت سیاسی» و «آسیب‌های اجتماعی» برگزار می‌شود و اهالی رسانه می‌توانند تا ۳۰ آذر آثارشان را در موضوع‌های یادشده به دبیرخانه این جشنواره ارسال کنند. رئیس سازمان بسیج رسانه خراسان‌رضوی خاطرنشان کرد: شرکت‌کنندگان می‌توانند ۵ اثر در هر قالب برای جشنواره ارسال کنند و کسانی که آثارشان به یکی از محورهای گفته‌شده مرتبط باشد اما در رسانه‌ای منتشر نشده باشد نیز می‌توانند به‌صورت آزاد در این جشنواره شرکت کنند.